



کامران آزد

حقوق دان

وقتی قوانین را نگاه می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که امروز باید اقتصاد کشور در اوج باشد، مردم در آرامش، امنیت، رفاه و سلامت زندگی کنند، فرهنگ پویا، مولد و بالنده باشد و بالاخره اینکه همه چیز در بهترین شرایط باشد. اما وقتی به واقعیت‌های موجود می‌نگریم، چیزی دیگر می‌بینیم، تورم بالا، بی‌کاری فزاینده، کاهش تولید، کاهش سرمایه‌گذاری، فساد اداری، آمار بالای مهاجرت، افزایش جرم و جنایت، افزایش طلاق و اعتیاد و کارتن خوابی، افزایش فقر، بحران‌های زیست‌محیطی، افت آموزشی در آموزش عمومی و آموزش عالی، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های دارو و درمان و خیلی شاخص‌های دیگر هیچ‌کدام در قوانین قرار نبوده اتفاق بیفتند. به عبارت دیگر، مجموعه انبوه و پرشمار قانون‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور حاصلی معکوس داشته‌اند. قانون‌ها مقرر کرده بودند که کشور به جلو حرکت کند، ولی در عمل آنچه اتفاق افتاد، حرکت رو به عقب بوده است.

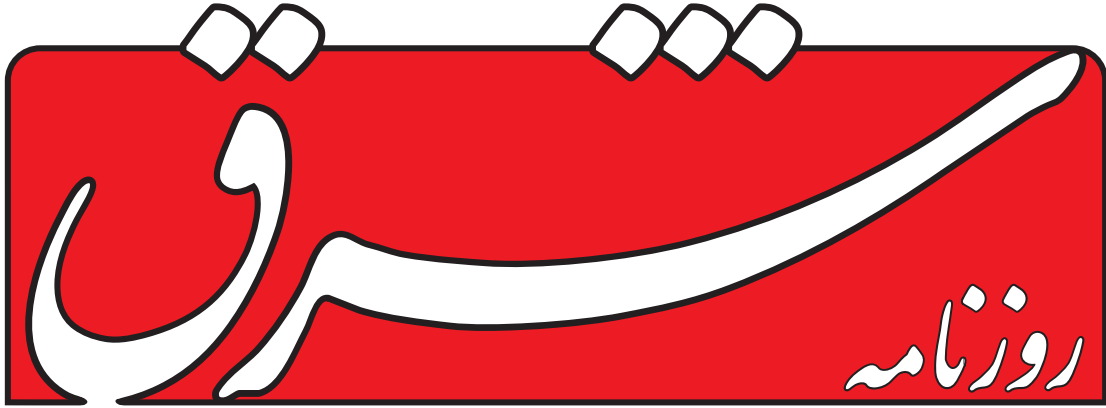
از خصوصیت‌هایی که قانون باید داشته باشد، «ثبات» است. وقتی یک قانون تصویب می‌شود، در طول اجرا صیقل می‌خورد، رویه شکل می‌گیرد، در رویه و گاه با آرای قضائی و نظریه‌های تفسیری حقوق‌دان‌ها، ابهام‌های احتمالی آن روشن می‌شود. این روند سال‌ها طول می‌کشد و محصول آن برقراری نظم است. اما همه گفته‌اند و می‌دانیم که عمر قوانین در ایران بسیار کوتاه است. حتی قانون بودجه که برای مدت فقط یک سال تصویب می‌شود، در همان یک سال بارها و بارها دچار تغییر می‌شود. یک قانون یک‌ساله که چندین و چند بار دچار تغییر شود، دیگر واقعا قانون نخواهد بود. همین نمونه کافی است که بدانیم چقدر قانون‌گذاری ایرانی بی‌ثبات و متزلزل است. بی‌ثباتی و تغییر مستمر قانون فقط مردم را سردرگم نمی‌کند، بلکه بیش از مردم، نظام حکمرانی را از کارآمدی ساقط می‌کند. سازمان‌های حکومتی برای اجرای یک قانون برنامه‌ریزی می‌کنند. بخش خصوصی سعی می‌کند خود را با آن قانون تطبیق دهد.

وقت و منابع مادی و انسانی صرف می‌شود، بعد ناگهان قانون تغییر می‌کند. با این تغییر، همه یا بخش زیادی از کارهای انجام‌شده و منابعی که صرف شده است، هدر می‌رود و روز از روز نواری از نو، این شیوه تغییر مستمر که به روال ثابت در ایران تبدیل شده است، عملا یعنی چیزی بدتر از بی‌قانونی. وقتی قانونی وجود ندارد، نه سازمان‌های اداری کار اضافه انجام می‌دهند و نه پول بیشتری خرج می‌شود. اما در وضعیت بی‌ثباتی، امکانات و منابع مادی و انسانی فراوانی از بین می‌رود. در چنین شرایطی، بحران بر بحران می‌نشیند، بی‌نظمی حاکم می‌شود و توسعه و پیشرفت به افسانه‌های دور بدل می‌شود. با این همه، هیچ‌گاه دولت و مجلس دست از سنت غلط قانون‌گذاری انبوه و تغییر مستمر قوانین بر نمی‌دارند. تا زمانی که قوانین ثبات نداشته باشند، کشور روی نظم حقوقی به خود نخواهد دید و امکان توسعه و پیشرفت فراهم نخواهد شد. منابع هدر خواهند رفت، زمان خواهد گذشت و فرصت‌ها از دست می‌روند.

عوامل متعددی موجب این حرکت وارونه است که یکی از مهم‌ترین آنها، شاید هم مهم‌ترین آنها، شیوه قانون‌گذاری است که ذهنی، تخیلی، آمرانه، انبوه و در نهایت بی‌ثبات است. وقتی قوانین بی‌ثبات باشند، حتی بهترین و درست‌ترین قوانین نیز با بی‌اثر می‌شوند یا اثر معکوس می‌گذارند. طبق یک برآورد در ایران، در ۱۱۸ سال سابقه قانون‌گذاری، نزدیک ۱۲ هزار قانون تصویب شده است، یعنی میانگین سالانه ۱۰۱ قانون. در فرانسه که نزدیک‌ترین نظام حقوقی به نظام حقوقی ایران است، در ۲۲۰ سال کمتر از چهار هزار قانون تصویب شده است. این حجم حیرت‌انگیز از قانون‌گذاری ایرانی، نه تنها نشانه مسئولیت و دلسوزی دولت و مجلس نیست، بلکه حاکی از ناکارآمدی مفرط در شناخت جامعه و فهم مفهوم قانون بوده و کارکردی ضد نظم دارد

و با بی‌ثبات‌کردن قانون، نظام اجتماعی و نظام حکمرانی را عمقا دچار اختلال می‌کند.

چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۳
۹ صفر ۱۴۴۶
۱۴ آگوست ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۰۳
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



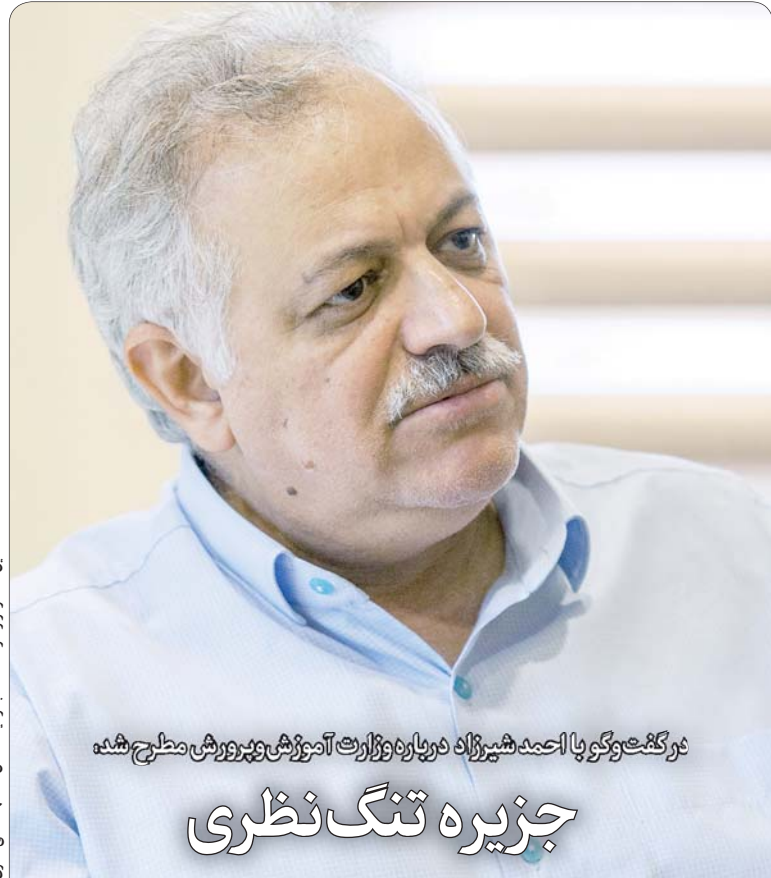
در دیدار رئیس قوه قضائیه با عارف مطرح شد:

آمادگی همه‌جانبه  
قوه قضائیه برای کمک  
به دولت

در «شرق» امروز می‌خوانید: ماجرای تشکیل هیئت‌های ۳ نفره برای تعیین تکلیف منافقین • طلسم VAR در ایران رسماً شکسته شد

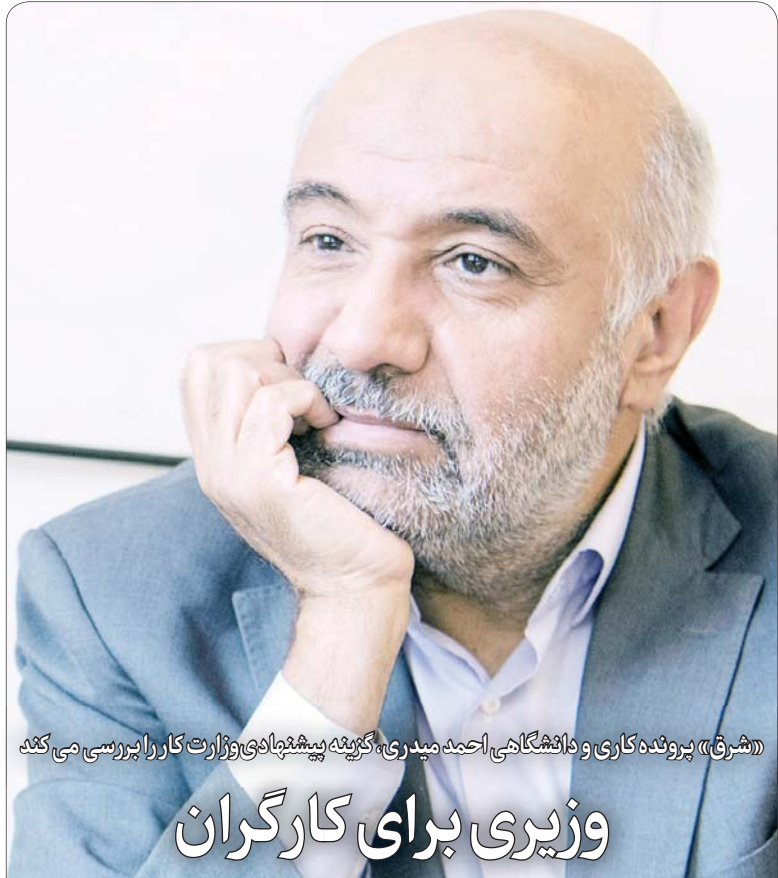
رئیس جمهوری با تشکر از مردم به خاطر بی‌تفاوت نبودن نسبت به رفتار سیاستمداران، به حواشی مرتبط با کابینه واکنش نشان داد

## تقدیر از ملت برای انتقاد

گزارش تیریکرا  
در صفحه ۲ بخوانید

در گفت‌وگو با احمد شیرزاد، مدیر روزنامه‌های آموزش و پرورش مطرح شد:

جزیره تنگ نظری



«شرق» پرونده کاری و دانشگاهی احمد میدری، گزینه پیشنهادی وزارت کار را بررسی می‌کند

وزیری برای کارگران

این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید

## برگزیده‌ها

«شرق» از فضاسازی سیاسی و رسانه‌ای علیه ایران در پاسخ به ترور اسماعیل گنارشی می‌دهد

روی موج فشار به تهران

اراک و زنان  
این داستان پیچیده است

مجلس اصولگرا با چهره‌های رادیکال در بررسی اعتبار وزرا «وفاق ملی» را در نظر خواهد گرفت یا منافع جناحی را؟

زمین بازی قالبیاف  
کجاست؟

بوستان ولایت سبز می‌ماند؟

نگاه

تجربه کمیته‌های انتخاب  
وزرا و تبعیض نظام‌مند

یادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

رسانه؛ قدم اول ثبات  
دولت چهاردهم

یادداشتی از علی متقیان

## یادداشت

انتخاب کابینه  
و شرایط سخت پزشکیان

محمد رضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

انتخابات چهاردهم و تأیید صلاحیت سومین کاندیدای اصلاح‌طلبان، بارقه امید در بخشی از جامعه ایجاد کرد. مردم به امید توقف روند افراط‌گرایی، خالص‌سازی و پایان دولتی ناکارآمد، به سمت پزشک‌های رفتند با علم به اینکه او در ساختار موجود محدودیت‌های زیادی خواهد داشت. با وجود همه امور ناامیدکننده، در دور دوم انتخابات مشارکت به ۵۰ درصد رسید و حدود ۱۷ میلیون نفر به پزشک‌های رای دادند. پیروزی پزشک‌های مردم را به اولین خواسته خود یعنی پایان خالص‌سازی و افراط‌گرایی رساند.

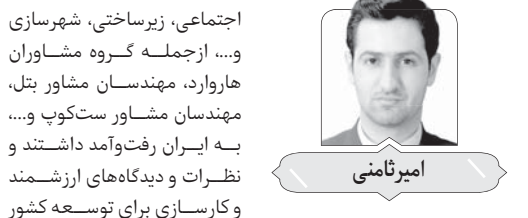
شورای راهبری منصوب پزشک‌های، سازوکاری برای بررسی صلاحیت کاندیداهای کابینه تعریف کرد تا در نهایت به معرفی کابینه اقدام کند. از همان ابتدا مردم اعم از رای‌دهندگان به پزشک‌های، تحریمی‌ها و حتی مخالفان وی، با حساسیت اخبار را دنبال می‌کردند. یکشنبه بیست‌ویکم مرداد او کابینه خود را معرفی کرد، اما عموم رای‌دهندگان به ایشان، دچار شوک شدند. فضای مجازی نشان می‌دهد برخی به کلی ناامید شده، برخی به نقد پرداخته، برخی پیشنهاد پس‌گرفتن بعضی از افراد را داده‌اند و برخی نیز از رای خویش پشیمان شده‌اند. هرچند واکنش‌ها متفاوت بوده، اما این حساسیت را باید به فال نیک گرفت، و نویدبخش روزهای خوب برای کشور دانست. شاید در هیچ دوره‌ای در تاریخ ایران، این همه حساسیت نسبت به کابینه وجود نداشته است. این امر لذت‌بخش است، پادمان نمی‌رود همین سه سال پیش، هنگام معرفی کابینه، چه سردی‌ای بر فضای کشور حاکم بود.

از این به بعد کش مردم مطالبه‌گرانه خواهد بود. مردم دریافته‌اند نباید در گوشه‌های بنشینند و نظاره‌گری منفعل باشند و بعد از چهار سال دولت را قضاوت کنند.

ادامه در صفحه ۴

## یادداشت

اصل ۸۲؛ معبر خروج از بن بست حکمرانی



امیرتأمینی

«باید مدیر اقتصادی از خارج وارد کنیم»؛ این جمله‌ای بود که وقتی از زبان وزیر صمت وقت در سال ۱۳۹۴ مطرح شد، با حواشی زیادی همراه شد و خیلی زود فراموش شد و جدی گرفته نشد. ولی این ایده‌ای نبود که جدی گرفته نشود! امروز همه می‌دانیم کشور در باسئلاق ابرچالش‌های مهمی در حوزه تکنهاها و ناترازی‌های مهم مالی، زیست‌محیطی، انرژی و زیرساخت و نیز شکاف‌های موجود میان مردم و دولت و انزوا و استراتژیک از زنجیره‌های ارزش تولید و تجارت جهانی قرار گرفته است و نظام حکمرانی ما نه تنها نتوانسته کانون‌های تولید درد را شناسایی کرده و با نسخه‌پیچی متناسب برای درمان، آنها را رفع و رجوع کند، بلکه در طی زمان بر شدت و گستره این دردها افزوده شده و امروز دیگر بسیاری از آنها به سادگی و از راه‌حل‌های متعارف قابل درمان نیستند. این در حالی است که بسیاری از مصائب و دردهایی که به‌طور مزم دامن‌گیر اقتصاد و فرهنگ ما شده‌اند، اعم از تورم، فقر، بی‌کاری، رشد اقتصادی نوسانی، آسیب‌های اجتماعی و... موضوعاتی هستند که در تجارت بسیاری از کشورهای دنیا، با تکیه بر «علم»، «اراده قوی»، «بینش راهبردی و کنش عقلانی»، «انتخاب کارگزاران کارآمد» و «مدیریت تعارض منافع میان ذی‌نفعان» حل‌وفصل شده‌اند. سؤال اینجاست که چرا در ایران حل نشده‌اند؟ پاسخ این است که احتمالاً در واقعیت (برخلاف اعلام‌های رسمی و شعارها) لوازم پنج‌گانه یادشده به‌درستی در ساختارها و سازوکارهای حکمرانی و نظامات تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری متولیان امر تعبیه نشده‌اند.

موضوع این یادداشت به ملاحظه اول یعنی «علم» معطوف است؛ موضوعی که بدون شک پدیده‌ای جهانشمول بوده و اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین کلید موفقیت حکمرانی نیز به اتکالی آن، به «علم» ناب و دوری از پیروی از «شبه‌علم» و دانسته‌های محدود و ادعاهای اثبات‌نشده بازمی‌گردد. با این وجود، یکی از موانع جدی فراروی ناکارآمدی حکمرانی در کشور، قطع ارتباط با نظام علمی جهانی و بهره‌نگرفتن از ظرفیت تخصص و تجربه کارشناسان و نخبگان اقتصادی کشورهای مختلف دنیا است. درحالی‌که با آغاز برنامه‌ریزی مدرن در کشور در دهه ۱۳۲۰ تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از برجسته‌ترین متخصصان و شرکت‌های مشاوره بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اقتصادی،

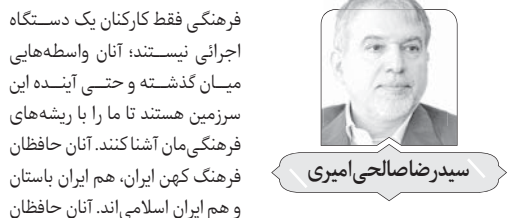
«باید مدیر اقتصادی از خارج وارد کنیم»؛ این جمله‌ای بود که وقتی از زبان وزیر صمت وقت در سال ۱۳۹۴ مطرح شد، با حواشی زیادی همراه شد و خیلی زود فراموش شد و جدی گرفته نشد. ولی این ایده‌ای نبود که جدی گرفته نشود! امروز همه می‌دانیم کشور در باسئلاق ابرچالش‌های مهمی در حوزه تکنهاها و ناترازی‌های مهم مالی، زیست‌محیطی، انرژی و زیرساخت و نیز شکاف‌های موجود میان مردم و دولت و انزوا و استراتژیک از زنجیره‌های ارزش تولید و تجارت جهانی قرار گرفته است و نظام حکمرانی ما نه تنها نتوانسته کانون‌های تولید درد را شناسایی کرده و با نسخه‌پیچی متناسب برای درمان، آنها را رفع و رجوع کند، بلکه در طی زمان بر شدت و گستره این دردها افزوده شده و امروز دیگر بسیاری از آنها به سادگی و از راه‌حل‌های متعارف قابل درمان نیستند. این در حالی است که بسیاری از مصائب و دردهایی که به‌طور مزم دامن‌گیر اقتصاد و فرهنگ ما شده‌اند، اعم از تورم، فقر، بی‌کاری، رشد اقتصادی نوسانی، آسیب‌های اجتماعی و... موضوعاتی هستند که در تجارت بسیاری از کشورهای دنیا، با تکیه بر «علم»، «اراده قوی»، «بینش راهبردی و کنش عقلانی»، «انتخاب کارگزاران کارآمد» و «مدیریت تعارض منافع میان ذی‌نفعان» حل‌وفصل شده‌اند. سؤال اینجاست که چرا در ایران حل نشده‌اند؟ پاسخ این است که احتمالاً در واقعیت (برخلاف اعلام‌های رسمی و شعارها) لوازم پنج‌گانه یادشده به‌درستی در ساختارها و سازوکارهای حکمرانی و نظامات تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری متولیان امر تعبیه نشده‌اند.

موضوع این یادداشت به ملاحظه اول یعنی «علم» معطوف است؛ موضوعی که بدون شک پدیده‌ای جهانشمول بوده و اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین کلید موفقیت حکمرانی نیز به اتکالی آن، به «علم» ناب و دوری از پیروی از «شبه‌علم» و دانسته‌های محدود و ادعاهای اثبات‌نشده بازمی‌گردد. با این وجود، یکی از موانع جدی فراروی ناکارآمدی حکمرانی در کشور، قطع ارتباط با نظام علمی جهانی و بهره‌نگرفتن از ظرفیت تخصص و تجربه کارشناسان و نخبگان اقتصادی کشورهای مختلف دنیا است. درحالی‌که با آغاز برنامه‌ریزی مدرن در کشور در دهه ۱۳۲۰ تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از برجسته‌ترین متخصصان و شرکت‌های مشاوره بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اقتصادی،

«باید مدیر اقتصادی از خارج وارد کنیم»؛ این جمله‌ای بود که وقتی از زبان وزیر صمت وقت در سال ۱۳۹۴ مطرح شد، با حواشی زیادی همراه شد و خیلی زود فراموش شد و جدی گرفته نشد. ولی این ایده‌ای نبود که جدی گرفته نشود! امروز همه می‌دانیم کشور در باسئلاق ابرچالش‌های مهمی در حوزه تکنهاها و ناترازی‌های مهم مالی، زیست‌محیطی، انرژی و زیرساخت و نیز شکاف‌های موجود میان مردم و دولت و انزوا و استراتژیک از زنجیره‌های ارزش تولید و تجارت جهانی قرار گرفته است و نظام حکمرانی ما نه تنها نتوانسته کانون‌های تولید درد را شناسایی کرده و با نسخه‌پیچی متناسب برای درمان، آنها را رفع و رجوع کند، بلکه در طی زمان بر شدت و گستره این دردها افزوده شده و امروز دیگر بسیاری از آنها به سادگی و از راه‌حل‌های متعارف قابل درمان نیستند. این در حالی است که بسیاری از مصائب و دردهایی که به‌طور مزم دامن‌گیر اقتصاد و فرهنگ ما شده‌اند، اعم از تورم، فقر، بی‌کاری، رشد اقتصادی نوسانی، آسیب‌های اجتماعی و... موضوعاتی هستند که در تجارت بسیاری از کشورهای دنیا، با تکیه بر «علم»، «اراده قوی»، «بینش راهبردی و کنش عقلانی»، «انتخاب کارگزاران کارآمد» و «مدیریت تعارض منافع میان ذی‌نفعان» حل‌وفصل شده‌اند. سؤال اینجاست که چرا در ایران حل نشده‌اند؟ پاسخ این است که احتمالاً در واقعیت (برخلاف اعلام‌های رسمی و شعارها) لوازم پنج‌گانه یادشده به‌درستی در ساختارها و سازوکارهای حکمرانی و نظامات تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری متولیان امر تعبیه نشده‌اند.

موضوع این یادداشت به ملاحظه اول یعنی «علم» معطوف است؛ موضوعی که بدون شک پدیده‌ای جهانشمول بوده و اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین کلید موفقیت حکمرانی نیز به اتکالی آن، به «علم» ناب و دوری از پیروی از «شبه‌علم» و دانسته‌های محدود و ادعاهای اثبات‌نشده بازمی‌گردد. با این وجود، یکی از موانع جدی فراروی ناکارآمدی حکمرانی در کشور، قطع ارتباط با نظام علمی جهانی و بهره‌نگرفتن از ظرفیت تخصص و تجربه کارشناسان و نخبگان اقتصادی کشورهای مختلف دنیا است. درحالی‌که با آغاز برنامه‌ریزی مدرن در کشور در دهه ۱۳۲۰ تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از برجسته‌ترین متخصصان و شرکت‌های مشاوره بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اقتصادی،

خیلی دور، خیلی نزدیک



سید رضا صالحی امیری

«باید مدیر اقتصادی از خارج وارد کنیم»؛ این جمله‌ای بود که وقتی از زبان وزیر صمت وقت در سال ۱۳۹۴ مطرح شد، با حواشی زیادی همراه شد و خیلی زود فراموش شد و جدی گرفته نشد. ولی این ایده‌ای نبود که جدی گرفته نشود! امروز همه می‌دانیم کشور در باسئلاق ابرچالش‌های مهمی در حوزه تکنهاها و ناترازی‌های مهم مالی، زیست‌محیطی، انرژی و زیرساخت و نیز شکاف‌های موجود میان مردم و دولت و انزوا و استراتژیک از زنجیره‌های ارزش تولید و تجارت جهانی قرار گرفته است و نظام حکمرانی ما نه تنها نتوانسته کانون‌های تولید درد را شناسایی کرده و با نسخه‌پیچی متناسب برای درمان، آنها را رفع و رجوع کند، بلکه در طی زمان بر شدت و گستره این دردها افزوده شده و امروز دیگر بسیاری از آنها به سادگی و از راه‌حل‌های متعارف قابل درمان نیستند. این در حالی است که بسیاری از مصائب و دردهایی که به‌طور مزم دامن‌گیر اقتصاد و فرهنگ ما شده‌اند، اعم از تورم، فقر، بی‌کاری، رشد اقتصادی نوسانی، آسیب‌های اجتماعی و... موضوعاتی هستند که در تجارت بسیاری از کشورهای دنیا، با تکیه بر «علم»، «اراده قوی»، «بینش راهبردی و کنش عقلانی»، «انتخاب کارگزاران کارآمد» و «مدیریت تعارض منافع میان ذی‌نفعان» حل‌وفصل شده‌اند. سؤال اینجاست که چرا در ایران حل نشده‌اند؟ پاسخ این است که احتمالاً در واقعیت (برخلاف اعلام‌های رسمی و شعارها) لوازم پنج‌گانه یادشده به‌درستی در ساختارها و سازوکارهای حکمرانی و نظامات تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری متولیان امر تعبیه نشده‌اند.

موضوع این یادداشت به ملاحظه اول یعنی «علم» معطوف است؛ موضوعی که بدون شک پدیده‌ای جهانشمول بوده و اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین کلید موفقیت حکمرانی نیز به اتکالی آن، به «علم» ناب و دوری از پیروی از «شبه‌علم» و دانسته‌های محدود و ادعاهای اثبات‌نشده بازمی‌گردد. با این وجود، یکی از موانع جدی فراروی ناکارآمدی حکمرانی در کشور، قطع ارتباط با نظام علمی جهانی و بهره‌نگرفتن از ظرفیت تخصص و تجربه کارشناسان و نخبگان اقتصادی کشورهای مختلف دنیا است. درحالی‌که با آغاز برنامه‌ریزی مدرن در کشور در دهه ۱۳۲۰ تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از برجسته‌ترین متخصصان و شرکت‌های مشاوره بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اقتصادی،

موضوع این یادداشت به ملاحظه اول یعنی «علم» معطوف است؛ موضوعی که بدون شک پدیده‌ای جهانشمول بوده و اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین کلید موفقیت حکمرانی نیز به اتکالی آن، به «علم» ناب و دوری از پیروی از «شبه‌علم» و دانسته‌های محدود و ادعاهای اثبات‌نشده بازمی‌گردد. با این وجود، یکی از موانع جدی فراروی ناکارآمدی حکمرانی در کشور، قطع ارتباط با نظام علمی جهانی و بهره‌نگرفتن از ظرفیت تخصص و تجربه کارشناسان و نخبگان اقتصادی کشورهای مختلف دنیا است. درحالی‌که با آغاز برنامه‌ریزی مدرن در کشور در دهه ۱۳۲۰ تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از برجسته‌ترین متخصصان و شرکت‌های مشاوره بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اقتصادی،

**آگهی مزایده عمومی فروش و امحاء اسناد شماره ۱۴۰۳/۳ بانک صادرات ایران**  
بانک صادرات ایران - مدیریت شعب غرب تهران در نظر دارد نسبت به فروش و امحاء اسناد خود از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید. متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در مزایده و یا دریافت اسناد مزایده از تاریخ درج آگهی تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۹ با شماره تلفن ۰۲۱-۸۴۴۸۴۰۱۰ دایره تدارکات و ساختمان تماس حاصل نمایند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰